



۲۰۱۳/۸/۲۹

جليل غنى

## دور نماي سياسي انتخابات افغانستان

با نزديک شدن انتخابات رياست جمهوري افغانستان در شانزدهم حمل، بازار فعاليت هاي سياسي هم گرم شده و تمام ارگان هاي سياسي و مدني و مذهبي و اشخاص انفرادي از مدتيست مصروف ارزيايي هاي افکار عامه، سنجش نيض جامعه، جلب نظريات و تشکيل ائتلاف ها و اتحاديه ها و جبهات براي معرفي کانديد مناسب و پيروزمند در انتخابات رياست جمهوري آينده افغانستان هستند.

درين ميان تنظيم هاي جهادي و احزاب جديد التکميل سياسي بيشتر از همه در تلاش اند تا اگر بتوانند با توافق در تشکيل ائتلاف ها و اتحاديه ها و جبهات جديد سياسي روي معرفي کانديد و يا کانديداني به توافق برسند که در انتخابات رياست جمهوري پيروز شده بتوانند.

شکي نيست که در تاريخ سياسي افغانستان هميشه شخصيت ها نقش کلیدی داشته اند و اين عنعنه از زمانه هاي قديم تا کنون پيروي گرديده است ولي بقول داکتر علي احمد جلالی وزير داخله سابق "مشکل افغانستان را یک شخص حل کرده نمی تواند بلکه بايد یک مشي ملی مورد توافق تمام جوانب باشد و یک تيم براي پيروزي آن کار نماید". طرح خوبيست ولي آیا می توان توافق را بالای چنين طرحي بدست آورد؟

تلاش هاي بين ائتلاف تغيير و اميد برهبري داکتر عبدالله عبدالله و جبهه ملی رياست احمد ولي مسعود و برخي احزاب سابقه و نو بنياد ديگر مثل حزب جمعيت اسلامي افغانستان برهبري صلاح الدين رباني، حزب وحدت افغانستان برهبري حاجي محمد محقق، حزب اسلامي افغانستان جناح منشعب آن برهبري داکتر عبدالهادي ارغنديوال وزير اقتصاد حکومت آقای کرزي، حزب افغان ملت برهبري داکتر انوار الحق احدی، جنبش ملی و اسلامي افغانستان برهبري جنرال رشيد دوستم، کنگره ملی برهبري لطيف پدram، حزب حق و عدالت برهبري حنيف اتمر وزير داخله سابقه و بعضی ديگر از جريان هاي خورد و بزرگ سياسي و اشخاص با نفوذ ديگر در جريان است تا توافق اين جناح ها به تشکيل یک ائتلاف بزرگ با نام جديدي و یک مشي مشترک بدست آيد. احتمال حصول توافق درين ترکيب نا متجانس کمتر می رود.

افغانستان در یک مرحله خاص و بحرانی سياسي قرار دارد. از یک طرف قواي ائتلاف بين المللی برهبري ايالات متحده در حال خارج شدن از افغانستان است و قرار است تا پايان سال ۲۰۱۴ افغانستان را یک تعداد آنها ترک گویند و آنانيکه باقی بمانند مأموريت تربيه و تجهيز و مشوره را خواهند داشت نه سهم مستقيم در عمليات مسلحانه. از جانب ديگر، مخالفين مسلح افغانستان مخصوصاً طالبان با پشتيباني همسايگان خاصاً پاکستان تقويه يافته اند و انتخابات و انتقال قدرت سياسي هم پيشروست. لذا در اين مقطع زمانی ملت افغانستان هر گونه حقی دارد که نگران اوضاع و آينده اين کشور باشد و در چنين حالي با نظري به گذشته و سي سال اخير تشويش بيشتری احساس میکند. نا گفته پيدااست و همه شاهد بوده اند که بعد از خروج قواي متجاوز اتحاد شوروي سابقه از افغانستان و سقوط حکومت دست نشانده آن، در افغانستان چه حالي حکمفرما گرديد، متعاقب آن طالب با تفکر قرون وسطائي بلای وارده بر سر اين ملت را به نحو ديگری ادامه داد. حالا که سال سرنوشت ساز آينده پيشروست آیا ملت به سازمان ها و جريان ها و تنظيمهائي که نام نيکی از خود بجای نگذاشته اند و حکومتداری و دولت داری آنها هم تجربه شده است اعتماد می کند؟

از جانب ديگر هيچ یک از اين تنظيم ها و احزاب سياسي افغانستان هنوز بحیث یک جريان سياسي ملی که افغانستان شمول باشد، تبارز نکرده است. شايد بعضی گروه ها ادعا کنند که در تمام ولايات افغانستان نمايندگی دارند و يا اعضای از تمام مناطق افغانستان دارند ولي تا جائيکه مطالعه گرديده اکثریت اين گروه ها سمتی، منطوقی، قومی و نژادی و يا مذهبی هستند و حدود فعاليت هاي آنها به ساحات محدود جغرافيايي و سمتی و منطوقی محصور مانده است. یک جريان سياسي زمانی می تواند به یک جريان و سازمان ملی و يا همه شمول مبدل گردد که تمام اقوام، افسار، مذاهب و زبانها در آن حضور ملموس داشته باشند نه نمادين و سمبولیک که متأسفانه هيچ یک از تنظيم ها و احزاب موجود در وضعیتی قرار ندارند که مورد تأييد تمام مناطق افغانستان باشند

د پايو شميره: له ۱ تر ۳

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړيکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پاڼوالې د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خيږ و لولئ

حتی بطور نسبی. لذا توافق این گروه ها بر یک مشی مشترک و کاندید مشترک هم اگر نا ممکن نباشد ساده و آسان هم نیست و فکر نمی شود که این گروه ها بتوانند از منافع گروهی و شخصی و سمتی و منظوقی شان به نفع منافع ملی بگذرند که این یکی از ارکان اساسی یک ملت واحد و یا به اصطلاح وحدت ملی است ورنه "به حلوا گفتن دهن شیرین نمی شود"

و احياناً اگر توافقی هم بين اين گروه ها حاصل گردد و کاندید و یا کاندید هابی را هم از داخل این گروه ها برای احراز کرسی ریاست جمهوری افغانستان معرفی کنند آیا کارت برنده را خواهند داشت؟  
در چنین حالت و تحلیل وضع سیاسی و اجتماعی افغانستان، می توان با توسل به یکی از موارد ذیل مسیر سیاسی افغانستان را به مؤفقت نزدیک ساخت :

■ ۱ - گذشت تمام جناح ها از منافع شخصی و گروهی و موافقه بالای یک مشی مورد تأیید همه و وفا داری به تعهد شان.

■ ۲ - معرفی یک افغان بیطرف و غیر متعهد، صادق، با کفایت، با سابقه و نیکو نام و با تجربه در دولنداری و امور سیاسی از بیرون این ائتلاف ها و تنظیم ها بحیث کاندید انتخابات ریاست جمهوری.

■ ۳ - و در صورت تشدید بحران مراجعه به آرای نمایندگان مردم در یک جرگه ملی که بحیث یکی از نهاد های سیاسی و با اعتبار در تاریخ افغانستان و یک نهاد دیموکراتیک در عنعنۀ سیاسی افغانستان ثبت است.

هرگاه این جریانات سیاسی و ائتلاف ها بتوانند بر یک مشی ملی به توافق برسند و تیم های کاری حتی از وابستگان شان را برای عملی کردن چنان مشی و ایفای تعهدات شان برای تطبیق پلان هایی که بالای آن توافق شده، معرفی نمایند، یقیناً افغانستان در مسیری قرار خواهد گرفت که همه دیموکراسی های جهان آنرا پیموده اند تا به بلوغ و پختگی امروز رسیده اند. چنین توافقاتی از یکطرف زمینه اعتماد مردم را به این جریان ها و احزاب باعث می شود و از جانب دیگر راه انحصار قدرت توسط یک گروه و یا گروه دیگری مسدود می شود و دیگر اشخاص جای شان را به آجندا و مشی ملی تخلیه می کنند و تیم های کاری جای اشخاص انحصار طلب را می گیرند.

وقتی می گوئیم که کاندیدای ریاست جمهوری بیرون از حلقه ائتلاف ها و جبهات باشد به این معنی است که این ائتلاف ها و جناح ها برای ملت ثابت خواهند ساخت که در پی قدرت طلبی نیستند، کاری که باید بعد از سقوط حکومت نجیب الله و وارد شدن به کابل، انجام می دادند و همانطوریکه ادعای جهاد فی سبیل الله را می کردند ثابت می ساختند که واقعاً در جست و جوی مقام و چوکی و قدرت نه، بلکه برای نجات افغانستان از اشغال و تأسیس یک حکومت مردمی پس از آن همه قربانی های ملت شهید پرور افغانستان هستند. حالا هم دیر نشده و راه برگشت به سراط المستقیم همیشه باز است. بیائید بخاطر خون شهدای راه آزادی برای نجات کشور از یک بحران دیگر سر تعظیم به پیشگاه ملت فرو آورید و بگذارید یک گروه کاری و مجرب و با کفایت زمام امور را بدست گیرد نه افراد دست چین این و آن.

و اما انتخاب سومی یعنی مراجعه به آرای مردم از طریق مؤسسه سیاسی عنعنوی افغانی، لویه جرگه. هنوز افغانستان در چنان یک مرحله بحرانی قرار ننگرفته که همه انتخاب های دیگر کارگر نبوده باشد و هر راه دیگری تجربه شده باشد. جرگه های ملی و لویه جرگه ها در تاریخ سیاسی افغانستان در حالات خاص دایر گردیده و معضله بزرگ ملی را در حالی رفع کرده که یا خلای قدرت به معنی واقعی آن به وجود آمده بود و یا ایجاب تشکیل دولت جدیدی و انتخاب رهبر جدیدی را در حالتی می نمود که یا قانونی برای تعیین رهبر وجود نداشت و یا دولتی به معنی یک دستگاه حاکمه جهت رهبری مردم تشکیل نشده بود.

از جانب دیگر با موجودیت قانون اساسی که شرایط تدویر لویه جرگه را مشخص ساخته و با موجودیت کمیسیون مستقل انتخابات، کمیسیون مستقل سمع شکایات و قانون انتخابات هم ضرورتی برای تدویر لویه جرگه احساس نمی شود چون احکام قانون اساسی در زمینه تدویر لویه جرگه صراحت دارد. همچنان برای ایجاد یک جامعه قانونمند لازم است که مراحل قانونی تعقیب شود. لذا انتخاب سوم در شرایط فعلی منتفی است.

برای روشن شدن مطلب نظر کوتاهی به تاریخ جرگه های ملی می اندازیم:  
کلمه جرگه یک کلمه دری به اصطلاح سچه است که با فتح (ج) و (گ) به معنی صف و حلقه، دسته، گروه، عده ای از مردم که دور هم جمع شوند (فرهنگ عمید صفحه ۴۶۰) آمده است.  
تاریخ جرگه های ملی در خطه ایکه بنام افغانستان است به ۳۶۶ هجری قمری مطابق ۹۷۷ میلادی میرسد:

د پانو شمیره: له ۲ تر ۳

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
پادونه: دلېکنې دلېکنيزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خبر و لولئ

- اولین جرگه و یا مجلس و محفلی بود که سبکتگین را در یک مرحله بحرانی داخلی که خطر اضمحلال دولت غزنویان می رفت بقدرت رسانید.
  - جرگه ملی با اهمیت دیگر در سال ۱۰۸۸ هجری قمری مطابق ۱۷۰۹ میلادی به اشتراک بزرگان، خوانین، و رهبران مذهبی در قندهار دایر گردید که به سلطه شاه حسین صفوی خاتمه داد و میرویس خان هوتک را با اعلام یک حکومت مستقل ملی بحیث رهبر کشور تعیین کرد.
  - جرگه ملی دیگر در سال ۱۰۹۶ هجری قمری مطابق ۱۷۱۷ میلادی در شهر هرات دایر گردید که جنبش موفقانه افغان ها را در مقابله با سلطه ایرانی ها سازمان داد و یک حکومت مستقل ملی را در هرات پایه گذاری کرد.
  - جرگه ملی ۱۱۲۶ هجری قمری مطابق ۱۷۴۷ میلادی که احمد خان ابدالی رهبر جنبش مقاومت در برابر ایرانی ها را بحیث پادشاه افغانستان تعیین کرد که بعداً لقب احمد شاه بابا را کمائی نمود.
  - جرگه ملی ۱۲۵۷ هجری قمری مطابق ۱۸۴۱ میلادی در جریان جنگ اول افغان و انگلیس وزیر محمد اکبر خان را بحیث رهبر سیاسی و نظامی افغانستان برگزید.
  - جرگه ملی ۱۲۴۴ هجری قمری مطابق ۱۸۶۵ میلادی که نظر به اختلافاتی درونی در سلطنت خطر سقوط حکومت امیر شیرعلیخان و از هم پاشیدن نظام میرفت کشور را از این حالت نجات داده و سلطنت او را استحکام بخشید.
- اصطلاح لویه جرگه، که ترکیبی است از کلمه پشتوی "لویه" و دری "جرگه" بار اول بجای جرگه ملی در سال ۱۳۰۱ هجری شمسی مطابق ۱۹۲۲ میلادی در زمان سلطنت اعلیحضرت امان الله خان بکار برده شد که در آن نمایندگان مردم "نظامنامه اساسی دولت علیه افغانستان" را به تاریخ اول حوت ۱۳۱۰ هجری شمسی به تصویب رسانیدند.
- پس از آن لویه جرگه های دیگری هم دایر گردید. یکی بعد از اغتشاش حبیب الله کلکانی به ابتکار سپهسالار محمد نادرخان در سال ۱۳۰۹ هجری شمسی مطابق ۱۹۳۰ میلادی دایر گردید که سپهسالار محمد نادرخان را بحیث پادشاه انتخاب کرد.
- لویه جرگه ۱۳۲۰ هجری شمسی مطابق ۱۹۴۱ میلادی به ابتکار اعلیحضرت محمد ظاهر شاه دایر شد که بیطرفی افغانستان را در جنگ دوم جهانی تأیید نمود.
- لویه جرگه ۱۳۴۳ هجری شمسی مطابق ۱۹۶۴ میلادی که قانون اساسی جدید افغانستان را در زمان محمد ظاهر شاه تصویب نمود و شاهی مشروطه و نظام پارلمانی را پایه گذاری کرد.
- اما به مرور زمان لویه جرگه ها جزئی از بیروکراسی دولت گردید و هر زمامدار برای تأیید منافع خود یا گروه برسراقتدار لویه جرگه هایی از نمایندگان دست چین را دایر و توسط آنها برپالیسی ها و مشروعیت نظام بزعم خود مهر تأیید گذاشت.

پایان